

به نام خدا

درس: خارج فقه استاد طائب (جلسه دوم)

موضوع: مبحث جهاد و دفاع (دفاع بیولوژیک)

تاریخ: دوشنبه، ۱۳۹۹/۰۱/۲۵

متن کامل؛

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ حَبِيبِ آلِهِ الْعَالَمِينَ أَبُو الْقَاسِمِ

مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصومِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي^۱

قال الله تبارك و تعالی: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ

عَدُوَّكُمْ»^۲ بحث در نبرد بیولوژیک یا نبرد زیستی بود. چند مطلب در این بحثها مطرح می شود.

جنگ زیستی، گفتیم که نبرد بیولوژیک با جنگ سخت افزاری، جنگ نرم افزاری و عملیات میکروبی

متفاوت است چون دیده نمی شود. میکروب وجود دارد ولی با چشم چیزی معلوم نیست. وقتی میکروب

آمد و درد و عفونت ظاهر شد، از آثار آن می توان فهمید که میکروب آمده است ولی در هنگام ورود، با

چشم مصلح قابل فهم نیست.

در عملیات شیمیایی، بعضی از گازهایی که بو و رنگ دارد قابل شناسایی است ولی بخشی از گازها که

بدون بو و رنگ هستند قابل تشخیص نیستند، بمب های گاز سیانور از این دسته هستند. گاز سیانور بویی

ندارد و اگر جلوی چشم منفجر نشود، و پخش شود، رنگ ندارد؛ بنابراین گاز سیانور وجود دارد و

۱. سوره طه، آیه ۲۵-۲۸.

۲. سوره انفال، آیه ۶۰.

خفگی را به وجود می آورد ولی شخص را دچار تنگی نفس و مرگ می کند. در جبهه، گاز سیانور را زدن ولی توفیق حاصل نشد که به زیارت حضرت عزرائیل برویم، اما مشاهده شد که دوستان شهید شدند. پس نبرد زیستی یعنی هجوم با ابزار تخریبی که بر ساختار بدن انسان اثر می گذارد و آن را یا به طور کلی از کار می اندازد یا ناقص می کند، مثل نارسایی کبد و فلج اعضای بدن و

اصل ابتلا به میکروب یا بیماری یا ویروس در تاریخ وجود داشته است، اما همیشه مردم فکر می کردند که این بیماری ها بلیه الهی است، البته احتمال هم می دادند که هجوم بشری باشد، ولی ابزار آزمایش در دستشان نبوده است. دیروز بیان شد که وقتی طاعون می آمد انگشت اتهام به سمت یهود می رفت، ولی بیشتر مردم این گونه بیماری ها را بلیه الهی می دانستند. روایتی در این باره ذکر می شود؛ این روایت مرفوعه هست. «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى يَرْفَعُهُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: دَعَا نَبِيٍّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَى قَوْمِهِ فَقِيلَ لَهُ أَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ فَقَالَ لَا فَقِيلَ لَهُ فَالْجُوعَ فَقَالَ لَا فَقِيلَ لَهُ مَا تُرِيدُ فَقَالَ مَوْتُ دَفِيقٍ يَحْزُنُ الْقَلْبَ وَيُقِلُّ الْعَدَدَ فَأُرْسِلَ إِلَيْهِمُ الطَّاعُونُ»^۱. روزی یکی از انبیای الهی قومش را نفرین کرد. خداوند فرمود عذاب آنها را در این قرار بدهم که دشمن به آنها حمله کند و جنگ ایجاد شود و نابود شوند؟ گفت نه. گرسنگی را بر آنها تحمیل کنم؟ نه.

خداوند فرمود چه می خواهی؟ گفت مرگ بسیار دقیقی که افسردگی ایجاد کند و کاهش جمعیت داشته باشد. پس خداوند طاعون فرستاد. در این روایت نکته ای بیان شده که می تواند احتمال حمله طاعون را به وجود بیاورد. در ابتدای روایت آمده که یکی از انبیای الهی قومش را نفرین کرد و خداوند به او گفت می خواهی تا دشمن به آنها حمله کند؛ ظاهر متن به جنگ اشاره می کند. این مسئله شبیه داستان موسی و خضر است. در حوادث پیش آمده مردم رخداد طبیعی را می دیدند و موسی دست خدا را مشاهده می کرد یعنی وقتی کشتی سوراخ می شود، مسافران کشتی چکش و دیلم را به دست خضر نمی دیدند خیال می کردند که کشتی به صخره ای خورده است. موسی بود که دست خضر را دید. وقتی بچه کشته

۱. کافی، ج ۳، ص ۲۶۰ و ۲۶۱.

می‌شود اهالی خضر را ندیدند، ممکن است که آنها افتادن بچه و شکستن سر و مردن او را ببینند. این موسی است که می‌بیند خضر بچه را بلند کرد و سرش را به سنگ زد. کسی آباد شدن دیوار را نمی‌دید، موسی بود که دست خضر را می‌بیند. نبردهایی که در این عالم است «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ»^۱ حمله صدام خارج از مشیت الهی نیست، اما ما نمی‌دانیم در مشیت الهی چه چیزی وجود دارد. آنچه ما می‌بینیم حمله دشمن به ایران است تا ایران و دین را از بین ببرد، ولی ما نمی‌دانیم چه چیزی پشت پرده است. هیچ‌گاه نفرین انبیا از باب غضب غیر الهی نیست. همیشه نفرین انبیا برای باز ماندن راه الهی است. نوح از روی عصبانیت قوم خود را نفرین نکرد. خداوند در سوره نوح مقدمات نفرین نوح را فراهم می‌کند تا به همه بگوید نفرین او در خط کمال است. وقتی نوح قومش را نفرین می‌کند به خدا می‌گوید خدایا مرا برای پایداری عبودیت خود مبعوث کردی، اما تبلیغ من اثر نداشت و عبودیت رو به اضمحلال است. زنده ماندن عبودیت به بازسازی آن بستگی دارد «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا * إِنَّكَ إِن تَذَرُهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا».^۲ وضعیت به گونه‌ای شده که اگر بچه‌هایشان بیایند هرگز هدایت نمی‌شوند. نفرین از باب عذاب نیست بلکه نفرین از باب کمال است.

وقتی می‌گویند راه هدایت بسته می‌شود، عذاب می‌آید تا راه کمال باز شود و دشمن این کار را انجام می‌دهد. نگاه آن زمان این بود که این مسئله بلیه الهی است و چون ابزار نداشتند دست بشر را نمی‌دیدند. بنابراین بحث طاعون و بیماری‌های فراگیر در فقه ما هرگز با این عنوان مورد بررسی قرار نگرفته است که پیشینه تحقیقاتی داشته باشد. درباره سم بحث‌هایی شده است. در گذشته سم در آب می‌ریختند، اما این بحث به غیر از تهاجم زیستی است؛ زیرا این تهاجم را نمی‌توان دید. فایده برپا شدن جمهوری اسلامی این است که فقه از مدرسه بیرون آمد و نگاه حکومتی و سازمانی به خود گرفت. گاهی ربا را در زمانی بررسی می‌کنید که حکومت اسلامی برپاست و گاهی در مدرسه بررسی می‌شود.

۱. سوره انعام، آیه ۵۹.

۲. سوره نوح، آیه ۲۶ و ۲۷.

در مدرسه، نقش پول در ربا و بحث بانک‌ها و تورم مطرح نمی‌شود. در مباحث مدرسه‌ای بحث ربا با طلا و نقره مطرح می‌شود که طلا و نقره و سکه ربا ندارد. وقتی صد سکه قرض می‌دهید صد سکه می‌گیرید اما صد تومان می‌دهید که معادل ده دینار بوده و پولی که پس می‌گیرید معادل یک دینار است. این مسائل در مدرسه مطرح نبوده چون حکومتی وجود نداشته، اما الان این مسائل وجود دارد. اگر کسی یک میلیون به کسی قرض بدهد و بگوید سال بعد یک میلیون و صد تومان به من پس بده، به او می‌گویند که این مسئله حرام و رباست. فرض کنید که هر سکه بهار آزادی دیروز پنج میلیون و پانصد بوده و امروز پنج میلیون و ششصد هزار تومان است. اگر کسی دو سال پیش سکه‌ای را قرض داده باشد در واقع پنج میلیون که هیچ، چهار میلیون تومان هم قرض نداده است. پول به خودی خود اعتبار ندارد، پشتوانه پول طلاست. وقتی پول بدون پشتوانه چاپ می‌شود تورم به وجود می‌آید.

این مسائل در مدارس مطرح نبود ولی الان مطرح می‌شود. بحث ربا و قرض‌ها و خمس و ... به این شکل نبود. شخصی ۲۰۰ میلیون تومان پارسال سرمایه داشته و الان ۲۱۰ میلیون تومان سرمایه دارد. امسال، دویست میلیون تومان، دویست میلیون تومان سال پیش نیست که به ده میلیون آن خمس تعلق بگیرد. در واقع به دلیل تورمی که در بازار رخ داده دویست میلیون تومان تبدیل به صد میلیون تومان شده و او ضرر هم کرده است. این مسائل به شکل حکومتی بررسی نشده است.

در جنگ جهانی دوم، ژاپنی‌ها موش‌هایی را آلوده کردند. نه تنها سربازان بلکه مردم آن منطقه هم درگیر شده بودند. آیا این مسئله در حکم بمباران شهری است؛ آیا کسی که با این بیماری مبارزه می‌کند حکم جهادگر دارد؛ آیا کسی که بر اثر این بیماری می‌میرد شهید است؟ در آن زمان حکومت به دست ما نبود تا آزمایش‌هایی را انجام دهیم. تا دیروز این مسائل مطرح نبود چون حکومتی برقرار نبود، اما امروزه این مسائل مطرح می‌شود. فرق است بین بیماری که به طور طبیعی همه‌گیر می‌شود و بین بیماری که دشمن شیوع می‌دهد. این مسئله پیشینه تحقیقی خاصی ندارد و نیاز است که در این روزگار بر روی این مسئله تحقیق شود. نبرد اتفاق افتاده است، آیا ماهیت این مسئله جهادی است یا دفاعی؛ چگونه باید با این

مسئله مقابله کنیم؟ نظر حقیر این است که جهاد در اسلام دفاع است و حمله ابتدایی نداریم. بنده مصداقی در زندگی پیامبر و امیرالمؤمنین برای حمله ابتدایی پیدا نکردم. در هیچ جایی پیامبر لشکری را نفرستاده که مسلمانان بروند و جهاد کنند. فتح مکه به این شرح است. قرار بود پیامبر به عمره برود، آنها گفتند که به مکه نیا، حضرت فرمودند چه کار کنیم؟ گفتند بیاید قرارداد صلح بنویسیم. پیامبر فرمود مگر من به شما حمله می‌کنم شما همیشه به من حمله می‌کردید.

گفتند با قرارداد صلح دیگر به هم حمله نمی‌کنیم. حتی پیامبر قبول کردند و در برخی از روایات آمده که اگر کسی مسلمان شد نمی‌خواهد به او اجازه دهید تا بیاید کمی بگذارید آنجا بماند، اما اگر کسی مرتد شد اجازه بازگشت دارد. در آن پیمان نوشته شد که هر کسی خلاف این قرارداد عمل کرد، طرف مقابل حق دارد که منطقه او را بگیرد. مخالفان خلاف قرارداد عمل کردند و پیامبر به آنها حمله کرد. به همین دلیل، وقتی پیامبر وارد مکه شد کسی در برابر ایشان نایستاد. بعد از پیغمبر حملاتی اتفاق افتاد، اما وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام به حکومت رسید، تمام آن جنگ‌ها را تعطیل کرد. در آن زمان جهادها به جهاد فصلی تبدیل شده بود. به همین دلیل نباید جهاد تعطیل می‌شد اما در پنج سال حکومت امیرالمؤمنین یکی از این جنگ‌ها اتفاق نیفتاد. حضرت سه نبرد دفاعی داشتند. صفین، جمل و نهروان جنگ‌های دفاعی بود. جنگ صفین را معاویه، جنگ جمل را عایشه و جنگ نهروان را خوارج به راه انداختند. بنابراین نبرد بیولوژیک کاملاً دفاعی است.

چه اهدافی را دشمن در نبرد بیولوژیک دنبال می‌کند؟ دشمن در نبرد بیولوژیک و نبرد زیستی سه هدف بزرگ را دنبال می‌کند. ۱. موانع توسعه خود را از سر راه بردارد. این مسئله نیاز به مطرح کردن فرضیه ندارد. آمریکایی‌ها فرضیه دهکده جهانی را مطرح کردند و آقای دبلیو بوش این مسئله را لو داد و گفت هر که با ماست با ماست، هر که با ما نیست ضد ماست یعنی باید همه عالم زیر چتر ما بیایند. زیر چتر ما یعنی اقتصادشان، سیاستشان، دانششان، ... دست ما باشد، یعنی بهره آن به دست ما برسد. دهکده تعریف شده است. وقتی دنیا دهکده شد، رفتار کدخدانسانه باب می‌شود. دهکده استاداندار و

رئیس‌جمهور و ... ندارد، دهکده کدخدا دارد. او گفت ما به دنبال دهکده جهانی هستیم. چه کسی کدخدای دهکده است؟ من کدخدای دهکده هستم. کدخدا حرف اول و آخر را می‌زند. همه منافع باید به کدخدا داده شود. خانه کدخدا باید از همه خانه‌ها بزرگتر باشد. هر اقتصادی که بخواهد جهان را از دهکده در بیاورد یا تبدیل به مانع شود باید از سر راه برداشته شود. یکی از اهداف نبرد بیولوژیک، از بین بردن موانع پیش روی داستان سیطره است. اگر بنا باشد جمعیت قسمتی، از حدی بالاتر رود، باید جمعیت کم شود. اقتصاد کشوری در حال رشد است به همین دلیل رشد اقتصادی آنها، سلطه کدخدا را به هم می‌زند و باید نابود شود. در کشوری روحیه مقاومت بالا رفته است، باید این روحیه از بین برود. مطلبی هم شایان ذکر است؛ در گذشته ریسک انتشار بیماری به این حد نبود و ارتباطات گسترده و سریع وجود نداشت، مثلاً اگر کسی می‌خواست از قم به اصفهان برود باید چندین روز راه می‌رفت. وقتی شخصی می‌خواست از مکه به مدینه برود، چهارصد کیلومتر راه را در عرض دوازده یا سیزده روز می‌پیمودند. شهید ابوترابی هر سال پیاده از تهران به مشهد می‌رفت. پیش از انقلاب، مرحوم شیخ جواد خراسانی با مریدانش از تهران طی ۴۰ روز به مشهد می‌رفتند.

فرض کنید به تهران حمله و پیروسی می‌شد، اگر این بنده خدا می‌خواست به مشهد برود تا به مشهد می‌رسید معلوم می‌شد که او مریض شده یا سالم است. در آن زمان سرعت ارتباطات نبود به همین دلیل تهاجم و پیروسی در مبدأ اثری نداشت و در مقصد کشتار عظیمی را به بار می‌آورد. در این روزگار، ارتباطات تجاری بسیار بالا رفته است به حدی که کشاورزان و دامداران از بین می‌روند. وقتی کاروان‌های تجاری از مکه به قصد شام حرکت می‌کرد سفر آنها سه یا چهار ماه طول می‌کشید.

هدف نبرد بیولوژیک فقط انسانی نیست، بلکه آفتی را به یک باره در منطقه‌ای می‌اندازند و محصول منطقه از بین می‌رود و مردم مجبور می‌شوند آن محصول را از جای دیگری تهیه کنند. به همین دلیل غذای آنها در دست مخالفین می‌افتد و اقتصادشان را از بین می‌برند؛ گاهی در شیوع بیماری‌های حیوانی این قضیه صدق می‌کند.

درباره محصولات تراریخته هم به همین صورت عمل شده است. اگر امروز تحقیقات فراوانی درباره تهاجم‌های بیولوژیک صورت گیرد ممکن است محصولات تراریخته زیرمجموعه نبرد بیولوژیک می‌شود. الزاماً هجوم بیولوژیک با آمدن ویروس نیست، همین قدر که تغییر در تولید، باعث شود که بیماری به بار آید، نبرد بیولوژیک صورت گرفته ولی ما هنوز به این تغییر واقف نیستیم. بحث تراریخته از بیست سال پیش در آزمایشگاه‌ها آزمایش شده و بعد از چند وقت دیده شده که تولیدات تراریخته بیماری‌های فراوانی را به بار می‌آورد و باعث مرگ انسان‌ها می‌شود. با کسب نتیجه مطلوب، این محصولات به کشورهای هدف داده می‌شود.

امروزه به دلیل سرعت، ارتباطات و ویروس به شدت گسترش پیدا می‌کند. در اروپا شخص مبتلا می‌شود و سه ساعت بعد با پرواز به ایران می‌آید. بنابراین اگر جامعه ما را مورد تهاجم ویروسی قرار دهند، هیچ ابزاری برای درمان آن وجود ندارد. اگر در هواپیما ابزار کنترلی به کار رود، در قطار و اتوبوس و سواری ابزار کنترلی وجود ندارد. در اروپا همه ویزا را برداشتند و این مسئله به راحتی در میان آنها گسترش می‌یابد. امروزه ریسک آوردن ویروس خیلی بالاست، اما هدف آن از بین بردن اقتصاد است. چین از نظر اقتصادی برای آمریکا رقیب بزرگی است.

پیش از وقوع کرونا بین دو کشور نبردی رخ داده، آقای ترامپ صادرات چین به آمریکا را تعطیل کرد. صادرات چین به آمریکا حدود ۵۰۰ میلیارد دلار در سال بود. اقتصاد آمریکا توسط چین تهدید می‌شد. آمریکا احساس کرد که دارد عقب می‌افتد. به همین دلیل واردات از چین را تعطیل کرد و راه را بست. چین به آمریکایی‌ها اعلام کرد که با آتش بازی نکنند. چین توانست خودش را از این هجوم نجات دهد و در اقتصاد بماند. در این روزگار، چین برای اقتصاد آمریکا تهدید بزرگی است. آمریکایی‌ها با ویروس کرونا، اقتصاد چین را مختل کردند.

بعضی شبهه کردند که نکند این ویروس کار چینی‌ها باشد، چون چینی‌ها این ویروس را انداخته‌اند و دارند به همه دنیا ماسک و دستگاه ساخت ماسک را صادر می‌کنند. این علمیات روانی

آمریکایی هاست. تمام صادرات چین تعطیل شده و آنچه باقی مانده ماسک است. شهر ووهان یکی از زیباترین و مدرن‌ترین شهرهای دنیاست که بسیاری از توریست‌ها به این شهر سفر می‌کردند. صنعت توریست چین تعطیل شده، پس این ویروس می‌خواست چین را به زمین بزند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

منابع؛

قرآن کریم

کافی، کلینی، محمد بن یعقوب، ۳۲۹ ق، غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، کتب اربعه، عربی، ج ۸، دار الکتب الإسلامية، تهران، ایران، ۱۴۰۷ ق، چهارم.